

نشانگرهای فقر در مناطق روستایی

(مطالعه موردی روستاهای شهرستان آزادشهر)

غلامرضا غفاری، عباس حق پرست

فقر از دیرباز یکی از مسائل و مشکلات مهم برای دولت‌ها به‌ویژه برنامه‌ریزان بوده است که در این میان فقر در جوامع روستایی یکی از چالش‌های مهم به‌شمار می‌رود. در سطح ملی کلیه گروه‌ها و اقشاری را که نزدیک خط فقر قرار دارند جزو گروه‌های فقیر قلمداد می‌کنند. از حیث تاریخی مطالعات علمی درباره فقر و مبارزه با آن، به اواخر قرن نوزدهم باز می‌گردد که تحقیقات بوث در سال ۱۸۹۷ و وواتری در سال ۱۹۰۱ در انگلستان نقطه شروع برای این نوع مطالعه است. در ایران برای نخستین‌بار، در اواسط دهه ۱۳۲۰ و با تأسیس وزارت کار در ایران مطالعاتی در زمینه فقر صورت گرفت.

در این مقاله مفهوم فقر نسبی مدنظر می‌باشد که از طریق آن درآمد افراد نسبت به یکدیگر سنجیده می‌شود و افرادی که درآمد کمتری دارند، نسبت به افراد با درآمد بالاتر فقیر محسوب می‌شوند و چگونگی توزیع جمعیتی آن در قالب خط فقر مورد بررسی قرار می‌گیرد. جامعه آماری این بررسی ساکنان روستاهای تابعه شهرستان آزادشهر واقع در استان گلستان می‌باشد. براساس نتایج به‌دست آمده از این بررسی، در توزیع خانوارهای مورد مطالعه براساس خط فقر ۲۷/۶ درصد این خانوارها زیر خط فقر قرار دارند. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که از بین متغیرهای مستقلی که در این پژوهش به‌عنوان نشانگرهای فقر در نظر گرفته شده‌اند، وسیله نقلیه، مسکن، اشتغال، سطح زیرکشت، وابستگی به دولت، تقدیرگرایی، دسترسی به رسانه‌ها، همدلی و سطح آرزوها ارتباط معنی‌داری با متغیر وابسته داشته‌اند و ۴۸ درصد واریانس آن را تبیین می‌نمایند.

طرح مسئله

یکی از اهداف اصلی برنامه‌های توسعه به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه کاهش فقر و تأمین رفاه اجتماعی برای عموم مردم است. یکی از ملاک‌های تعیین سطح رفاه اجتماعی یک جامعه آگاهی یافتن از وضعیت فقر در آن جامعه است. بنابراین شناخت عوامل مؤثر در ایجاد و گسترش فقر از آن جهت ضروری و حائز اهمیت است که بر مبنای این شناخت برنامه‌ریزان اقتصادی-اجتماعی می‌توانند سیاست‌های مناسب جهت مبارزه با فقر و نابرابری را طراحی و اجرا نمایند.

یکی از چالش‌های مهم جوامع روستایی مسئله فقر روستایی می‌باشد که اندیشه بسیاری از صاحب‌نظران مسائل توسعه روستایی را به خود معطوف داشته است. در روستاها به علت شرایط جغرافیایی و آب و هوایی، نوع معیشت و توانایی کمتر در مقابله با حوادث، فقر قلمرو گسترده‌تری دارد. در چنین شرایطی معمولاً نوع و میزان بهره‌گیری افراد از عوامل مختلف در اقتصاد کشاورزی و دامداری و الگوهای مختلف بهره‌برداری از زمین، منابع آب، مکانیزاسیون و ساز و کارهای تولید و نیز عوامل اجتماعی و فرهنگی در قرار گرفتن و یا واقع نشدن در وضعیت فقر مؤثر می‌باشند. پرسش اصلی این مقاله این است که نشانگرهای اقتصادی-اجتماعی فقر در جامعه مورد مطالعه کدامند؟ که این پرسش در قالب پرسش‌های انضمامی زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. چه رابطه‌ای بین ویژگی‌های فردی (زمینه‌ای) و فقر روستایی وجود دارد؟
۲. چه رابطه‌ای بین ویژگی‌های روانی-اجتماعی (خرده‌فرهنگ دهقانی) و میزان فقر روستایی وجود دارد؟
۳. عوامل اقتصادی-اجتماعی چه تأثیری بر میزان فقر روستایی دارد؟

ابعاد مفهومی و نظری فقر

فقر^۱ به معنای عدم برخورداری از حداقل امکانات معیشتی می‌باشد. امکانات معیشتی ابعاد مختلف نیازهای اساسی از قبیل نیاز به غذا، بهداشت و درمان، مسکن، آموزش و پرورش، سوخت و... را در بر می‌گیرد. هر خانواده‌ای که در تأمین هریک از این نیازها در حد کفایت ناتوان باشد می‌توان آن خانواده را فقیر دانست.

«فقر نسبی^۲ به‌عنوان ناتوانی در احراز آن سطح از معیشت که جامعه کنونی آن را لازم یا

مطلوب تشخیص داده می‌شود. فقر نسبی بیشتر معیاری برای توزیع درآمد و نابرابری تا محرومیت مطلق می‌باشد و در کشورهای مختلف به صورت متفاوت تعریف می‌شود» (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵: ۱۸). با این پنداشت از فقر پیشنهاد شده که خانواده‌هایی که درآمد آن‌ها از نصف میانه توزیع درآمد جامعه کمتر باشد فقیر تلقی شوند.

تاونزند^۱ فقر نسبی را نوعی محرومیت^۲ در نظر می‌گیرد به نظر او افراد جامعه زمانی فقیر محسوب می‌شوند که فاقد منابعی باشند که از طریق آن تغذیه خود را تأمین نمایند و در نهایت مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی برای آن‌ها میسر نباشد (تاونزند، ۱۹۷۹: ۸۱). دوهان^۳ نیز معتقد است که فقر و همراه آن طرد اجتماعی زمانی تحقق پیدا می‌کند که افراد جامعه قادر به مشارکت اجتماعی نباشند (دوهان، ۱۹۹۳: ۲۲). به نظر تورنز^۴ محرومیت اجتماعی می‌تواند شامل گروه‌های حاشیه‌ای، افراد خارج از شبکه امنیت رفاهی، بیکار، فاقد مسکن، آوارگان و فاقدان حقوق شهروندی شود (تورنز، ۲۰۰۲: ۱۵۳).

فقر نسبی در کشورهای مختلف به صورت متفاوت تعریف می‌شود. برای مثال در آمریکا پیشنهاد شده است خانواده‌هایی که درآمد آن‌ها از نصف درآمد میانه کل جمعیت کمتر است فقیر تلقی شوند. در مورد کشورهای در حال توسعه پیشنهاد شده که همه افراد واقع در چهار دهک پایین توزیع درآمد ملی فقیر تلقی شوند. راونتری^۵ (۱۹۰۱) در کنار مفهوم فقر نسبی، فقر اساسی^۶ را نداشتن درآمد کافی برای کسب حداقل لوازم مورد نیاز برای احراز و نگهداری کارایی جسمانی تعریف کرده است. این تعریف با مفهوم فقر مطلق ارتباط دارد و هنوز هم در مورد کشورهای در حال توسعه قابل استفاده است. ولی در خصوص کشورهای توسعه یافته، به دلیل افزایش ثروت ملی و گسترش خدمات اجتماعی فقر به مفهوم مطلق آن تا حد زیادی اهمیت خود را از دست داده است. راونتری از فقر ثانویه^۷ که به‌رغم داشتن درآمد کافی شکل می‌گیرد نیز نام می‌برد. این نوع فقر «عمدتاً از ناتوانی فرد در تخصیص و مصرف صحیح درآمد خود سرچشمه می‌گیرد. از میان عوامل زیادی که ممکن است مانع استفاده درست فرد از منابع و درآمدهای خود شود. راونتری از سه عامل قماربازی، افراط در مشروب‌خواری و ناتوانی از ایجاد تعادل بین دخل و خرج یاد می‌کند» (سازمان بهزیستی، ۱۳۶۹: ۱۲). به نظر آمارتیا سن^۸ فقر نوعی محرومیت قابلیت‌ی است. در نتیجه فقر در یک زندگی، صرفاً با وضعیت نامساعدی که

1. Townsend
3. Duhan
5. Rowntree
7. Second Poverty

2. Deprivation
4. Thorns
6. Basic Poverty
8. Amartia Sen

آن فرد عمداً در آن به سر می‌برد تعریف نمی‌شود، بلکه همچنین فقدان فرصت‌های واقعی - با در نظر گرفتن قیود اجتماعی و نیز شرایط شخصی - برای انتخاب انواع دیگر زندگی را نیز شامل می‌شود (سن، ۱۳۸۲: ۲۳).

برای تبیین نظری فقر مواجه با رویکردهای نظری متنوعی هستیم. «در اقتصاد سیاسی با نگاهی کلان‌گرایانه، فقر روستایی کشورهای فقیر نتیجه روندی است که طی آن ثروت و قدرت در دست گروه‌های خاصی متمرکز می‌گردد. به نظر چمبرز^۱ اقتصاددانان سیاسی معتقدند تمرکز ثروت و قدرت در طی سه مرحله صورت می‌گیرد. در سطح بین‌المللی، کشورهای ثروتمند از طریق بهره‌کشی استعماری و مبادله نابرابر دوران نئواستعماری سبب فقیرتر شدن نسبی کشورهای جهان سوم گشته‌اند، به طوری که سرمایه‌گذاری کشورهای ثروتمند در کشورهای فقیر در جذب منافع حاصل و انتقال آن‌ها به کشورهای ثروتمند به فقر کشورهای جهان سوم انجامیده است. از نظر داخلی در میان اقشار مختلف شهری‌ها و به‌ویژه طبقات متوسط شهری سود بیشتری می‌برند و این مسئله به زیان گروه‌های فقیر روستایی تمام شده است. این امر از طریق مبادله نابرابر و تجارت میان شهر و روستا صورت می‌پذیرد و نیز علاوه بر این اقتصاددانان سیاسی ورود تکنولوژی و تجاری شدن کشاورزی را تشدیدکننده فقر دانسته‌اند، زیرا تکنولوژی به آن دسته از روستاییانی تعلق می‌گیرد که مالک زمین بوده و اخذ اعتبارات برای ایشان مقدور بوده است (چمبرز، ۱۳۷۶: ۵۶).

محیط‌شناسان طبیعی دو عامل رشد جمعیت و فشار حاصل بر منابع طبیعی و زیست محیطی را عامل فقر روستایی می‌دانند. در این نگاه عدم کنترل رشد جمعیت و فقدان مدیریت بهره‌برداری از منابع طبیعی با یکدیگر دایره‌ای بسته را پدید می‌آورد. بدین معنی که هرچه جمعیت بیشتر باشد در درازمدت تخریب محیط زیست بیشتر خواهد بود.

به نظر چمبرز «از نتایج مستقیم چنین فقری می‌بایست به انواع بیماری‌ها، سوءتغذیه، شرایط نامساعد بهداشتی، مسکن نامناسب و فقدان تسهیلات بهداشتی اشاره کرد. کمبود منابع طبیعی ملازم با سایر اشکالات به تداوم فقر کمک می‌کند» (چمبرز، ۱۳۷۶: ۶۰). موارد مطرح شده به نوعی تقلیل‌گرایانه و در مواردی جبرگرایانه را دنبال می‌کنند چراکه بر عوامل محدودی متمرکز شده‌اند. به نظر چمبرز با توجه به گستردگی موضوع پذیرش نگاه کثرت‌گرایانه اهمیت بیشتری دارد زیرا «دیدگاه کثرت‌گرایی با برخوردی که میان آرا و گروه‌های متخاصم به وجود می‌آورد، موجب بروز خلاقیت‌هایی شده که به تحلیل و عملکرد بیشتر می‌انجامد.

1. Chambers

دیدگاه کثرت‌گرایانه مستلزم آگاهی به نیازهای اطلاعاتی و مشاهدات گسترده به منظور ارائه نظریه و نه انطباق نظریه‌های موجود با جامعه روستایی است (چمبرز، ۱۳۷۶: ۶۲).

دیدگاه کثرت‌گرایانه علاوه بر این‌که بر کل‌گرایی از حیث موضوعی و روش پژوهش تأکید دارد توجه ویژه‌ای به مردم روستا نیز دارد زیرا در دیدگاه کثرت‌گرایی مرکز واقعی توجهات و یادگیری روستا بوده و مردم روستا از جایگاهی خاص برخوردار می‌باشند. این فرهنگ به برنامه‌ریزان می‌آموزد که روستا مرکز است و شما پیرامون هستید. مرکز کوچکی که بارها و بارها خارج از دید و توجه محققان بوده و هرگاه به آن توجه شده از فاصله‌ای بسیار دور توسط تلسکوپ حرفه‌ای‌های شهری نظاره‌گردیده است» (چمبرز، ۱۳۷۶: ۶۰). فیتزپاتریک^۱ برای تبیین فقر از چهار رویکرد نام می‌برد: ۱. رویکردی که فقر را نوعی آسیب و رفتار می‌داند ۲. رویکردی که بر روی عوامل محیطی تأکید دارند ۳. رویکردی که بر روی شکست سیاست‌های اجتماعی-اقتصادی تکیه می‌نماید ۴. رویکردی که فقر را تابع و ناشی از نظام سرمایه‌داری می‌داند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۱: ۹۴).

به لحاظ تجربی ایدن^۲ در سال ۱۷۹۷ رساله‌ای را درباره وضعیت فقر در انگلستان منتشر نمود. در دهه ۱۸۸۰ بوث^۳ موفق شد نقشه جامعی از گسترش مسئله فقر در شهر لندن ترسیم کند که در حقیقت کوشش ارزشمندی در جهت اندازه‌گیری کمی محرومیت و فقر محسوب می‌گردد (اسمیت، ۱۹۷۰: ۶۹۱). راوتری در سال ۱۹۰۱ وضعیت فقر را در شهر یورک انگلستان مطالعه نموده است. در آمریکا بررسی علمی مسئله فقر با انتشار دو کتاب آمریکای دیگر از هرینگتون^۴ و جامعه مرفه از گالبرایت^۵ مورد توجه قرار می‌گیرد (زاهدی، ۱۳۷۶: ۴۹). در سال ۱۹۶۵ براساس محاسباتی که اورشانسکی^۶ برای آمریکا انجام داد، درآمد سوانه سه‌هزار دلار در سال به‌عنوان خط فقر اعلام شد که در سال‌های بعد هم به‌عنوان مبنای محاسبه میزان رسمی خط فقر در آمریکا به کار رفت (بورژن، ۱۳۵۱: ۲).

میردال^۷ مسئله فقر را در کشورهای آسیایی جنوبی مورد مطالعه قرار داد و نتایج تحقیق خود را در کتابی به نام *درام آسیایی* (پژوهشی درباره فقر ملت‌ها) به چاپ رساند. در سراسر فصل‌های کتاب به شرح عوامل اجتماعی و اقتصادی و شرایطی پرداخته شده است که در مساعی مردم آسیای جنوبی در مبارزه با فقر دخالت داشته‌اند.

1. Fitz Patrick

2. Edn

3. Booth

4. Harrington

5. Galbraith

6. Orshansky

7. Myrdal

صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی نیز تلاش دارد فقر روستایی و سوء تغذیه را کاهش دهد. این صندوق برخلاف دیگر مؤسسات مالی بین‌المللی که دامنه وسیعی از اهداف را دنبال می‌کنند، روی هدف مبارزه با گرسنگی و فقر روستایی در کشورهای در حال توسعه متمرکز گردیده است که این هدف را با راهبرد توانمند کردن فقرای روستایی و مبارزه با فقر از طریق توسعه اجتماعی، برابری جنسی، درآمدزایی، بهبود تغذیه، توسعه پایدار و حکومت مناسب دنبال می‌نماید. جمعیت هدف این صندوق کشاورزان خرده‌پا، بی‌زمین‌های روستایی، کوچ‌نشینان و عشایر، ماهیگیران سنتی و مردمان بومی با تأکید بر زنان فقیر روستایی هستند (زاهدی و عبقری، ۱۳۷۵).

مطالعات انجام شده در ایران نیز با تأثیرپذیری از ادبیات خارجی تبیین‌های مختلفی را مطرح نموده‌اند. شاپور رواسانی گسترش فقر عمومی در کشور را ناشی از تسلط شیوه‌های تولید مستعمراتی در اقتصاد و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی عنوان می‌نماید. او در مقاله خود تأکید می‌کند که در شیوه تولید مستعمراتی چگونگی مالکیت و حاکمیت بر وسایل تولید، توزیع، سرمایه‌ها و ثروت‌های اجتماعی و منابع طبیعی تحت شرایط سلطه استعمار سرمایه‌داری تعیین می‌شود، چگونگی استثمار در جوامع مستعمراتی نیز در همین رابطه است. رواسانی به بررسی وضعیت فقر و شدت آن در سال‌های بعد از انقلاب می‌پردازد و با استفاده از آمارها و اطلاعات مربوط به نتایج آمارگیری بودجه خانوار مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰ میزان فقر عمومی در ایران به‌طور قابل ملاحظه‌ای گسترش و شکاف درآمدی میان گروه‌های درآمدی در کشور به شدت افزایش یافته است. وی با استفاده از نتایج مربوط به نمونه‌گیری‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از مخارج خانوارهای شهری، میزان شکاف و تغییرات آن را نشان می‌دهد. میزان شکاف قدرت خرید یک فرد از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۷ به شدت افزایش یافته است (رواسانی، ۱۳۷۷: ۳۱).

محمد طیبیان و داوود سوری پیرامون فقر و ارتباط آن با متغیرهای کلان اقتصادی در سال ۱۳۷۶ بررسی مقایسه‌ای انجام داده‌اند. این گزارش با استناد به معیار خط فقر پژویان اشاره می‌نماید که روند فقر بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳ نزولی بوده است. اما بعد از آن در سال ۱۳۷۴ مجدداً در حد قابل توجهی افزایش یافته و در سال ۱۳۷۵ کمی کاهش یافته ولی هنوز بیش از سال ۱۳۷۳ می‌باشد.

— همچنین میزان فقر با سطح بیکاری در بخش‌های اقتصادی رابطه مثبت داشته است به نحوی که با افزایش بیکاری در بخش‌های اقتصادی میزان فقر نیز افزایش یافته است.

— نرخ واقعی ارز با میزان فقر اندازه‌گیری شده رابطه منفی را نشان می‌دهد.
 — میزان سرمایه‌انسانی خانوارها که با سطح سواد سرپرست خانوار سنجیده می‌شود بر میزان فقر خانوارها دارای اثر منفی است. با افزایش میزان سرمایه‌انسانی خانوار میزان فقر نیز کاهش می‌یابد.

— همچنین بررسی اثر ساختار بازار اشتغال بر فقر نشان می‌دهد که با افزایش میزان سهم شاغلین دولتی میزان فقر در جامعه کاهش یافته است (طیبیان، ۱۳۷۷: ۱۱۳).

حافظ‌نیا سعی نموده است که در یک بررسی آماری پیرامون وضعیت خانوارهای عادی تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) در نواحی مختلف جغرافیایی کشور به شناسایی علل و عوامل مؤثر در پیدایش زندگی قبیانه این خانوارها می‌پردازد. در این مطالعه با مراجعه به آمارهای سال ۱۳۷۰ مربوط به ۲۷۴۴۵۸ خانوار تحت پوشش که در دو منطقه شهری و روستایی که در فقر مطلق به سر برده‌اند، با استفاده از یک مطالعه پیرامونی بر روی ۲۷۳۵ خانواده نمونه تأثیرگذاری عوامل مؤثر بر فقر در قالب ۵ گروه عوامل اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی، اقتصادی و حمایتی بر فقر بررسی شده است. در این تحقیق با استفاده از روش‌های توصیفی آماری به بررسی ارتباط میان فقر و متغیرهای نگرش ایدئولوژیکی فرد به مسئله فقر، سواد و تحصیلات فرد، دسترسی به فرصت‌های آموزشی و حرفه‌آموزی، موقعیت اجتماعی، اشتغال، تورم، برخورداری از خدمات اجتماعی، وضعیت خانوار، ساختار اقتصادی و شیوه‌های تولید پرداخته شده است.

از نتایج این تحقیق این است که عوامل فرهنگی نظیر نگرش ایدئولوژیکی در فرد نسبت به مسئله فقر و پایین بودن سطح سواد و تخصص و دست نیافتن به فرصت‌های آموزشی توسط سرپرست خانوار و اولیای وی مؤثر بوده است و بعد خانوار به عنوان متغیر اجتماعی نقش قابل توجهی در فقر خانوار داشته است (حافظ‌نیا، ۱۳۷۱: ۲۵).

حسین عظیمی با عنایت به شمول و گستردگی فقر در ایران به بررسی و مطالعه فقر در نواحی روستایی و شهری استان‌های کشور برای تخمین خط فقر و شاخص‌های آن و نیز توزیع درآمد و هزینه پرداخته است. هدف اصلی محقق از این مطالعه در نهایت بررسی آثار رشد شتابان درآمد ملی و شهرنشینی بر سطح فقر در نواحی شهری و روستایی ایران بوده است. عظیمی نتایج ناشی از مطالعه خود را به شرح زیر ارائه می‌نماید:

— بخش وسیعی از جمعیت ایران زیر خط فقر (منظور خط فقر محاسبه شده براساس تعریف فقر بر مبنای مفهوم بقا ثمربخش می‌باشد) قرار می‌گیرند (۴۴ درصد از جمعیت کشور یعنی ۱۳/۱ میلیون نفر).

— فقر در نواحی شهری گسترده‌تر از نواحی روستایی است.

— شاخص شکاف فقر نشان می‌دهد که شکاف فقر در روستاها بیش از شهرها می‌باشد.

— برآورد شاخص‌های فقر نشان می‌دهد که در سال ۱۹۷۲ برای رفع فقر براساس مفهوم بقا ثمربخش ۱۴ درصد تولید ناخالص ملی^۱ و ۷۱ درصد درآمد نفت لازم بوده است و براساس تعریف خط فقر بر مبنای بقا صرف بودجه‌ای معادل ۰/۰۰۱ تولید ناخالص ملی و ۰/۰۰۵ درآمد نفت کشور در سال ۱۹۷۲ مورد نیاز بوده است (عظیمی، ۱۳۷۱: ۲۰۲-۲۰۳).

از مطالعات دیگری که در زمینه فقر انجام شده است می‌توان به گزارشی تحت عنوان «روستایان فقیر و آسیب‌پذیر، خطوط اساسی برای شناسایی تشرهای آسیب‌پذیر روستایی» که توسط محمدجواد زاهدی مازندرانی و ابراهیم زاهدی عبقری (۱۳۷۵) و نیز به مطالعه موردی که توسط مصطفی ازکیا در سال ۱۳۷۹ تحت عنوان «فقر، آسیب‌پذیری و توسعه، مطالعه موردی منطقه روستایی گرمسار» انجام گرفته است اشاره کرد (ازکیا: ۱۳۷۹).

در مجموع متغیرها^۲ و نشانگرهای^۳ اصلی در سنجش فقر و محرومیت که در نوشته‌های مربوطه مورد توجه قرار گرفته‌اند شامل میزان درآمد، هزینه‌های مربوط به خوراک، سوخت، بهداشت و درمان، سلامتی، آموزش، دسترسی به کالاها و خدمات عمومی، مدت اشتغال و نیز انزوای اجتماعی-مکانی، عدم مشارکت، بیگانگی، وابستگی، فقدان اطلاعات، قدرت چانه‌زنی و نیز آسیب‌پذیری طبیعی می‌شوند. براساس بررسی‌های صورت گرفته در مورد بودجه خانوار، خط فقر نسبی در سال ۱۳۸۰ برای یک خانوار ۵ نفره، به قیمت ثابت ۱۳۸۰ در جامعه شهری ۱۲۴۸۶۹ تومان و در جامعه روستایی ۷۱۰۸۳ تومان بوده است. با توجه به اطلاعات جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود که به دلیل بالا بودن هزینه زندگی در شهرها خط فقر در مناطق شهری همواره بالاتر از مناطق روستایی بوده است و این رقم در سال ۱۳۸۰ به ۱/۷۵ برابر می‌رسد. همچنین پیش‌بینی می‌شود تا در سال ۱۳۸۱ خط فقر (به قیمت جاری) در مناطق شهری ۱۹/۴ درصد و در مناطق روستایی ۱۴/۸ درصد افزایش یابد که در مقایسه با میزان تورم ۱۵/۸ درصد در سال ۱۳۸۱، رشد واقعی در مناطق شهری ۳/۶ درصد و در مناطق روستایی یک درصد خواهد بود (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۲: ۹).

1. GNP

2. Variables

3. Indexes

جدول شماره ۱. خط فقر نسبی (خانوار ۵ نفره، ماهانه، ریال)

سال	به قیمت جاری		به قیمت جاری	
	شهری	روستایی	شهری	روستایی
۱۳۷۹	۱۰۴۸۷۲۳	۶۲۷۰۸۸	۱۱۶۸۲۷۸	۶۹۸۵۷۶
۱۳۸۰	۱۲۳۸۶۸۶	۷۱۰۸۲۸	۱۲۴۸۶۸۶	۷۱۰۸۲۸
۱۳۸۱	۱۴۹۱۰۲۰	۸۱۶۴۹۲	۱۲۸۷۵۸۲	۷۰۵۰۸۸

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۲)

در حوزه مورد بررسی یعنی استان گلستان در سال ۱۳۸۰ پژوهشی تحت عنوان «بررسی گستردگی، شدت و نابرابری فقر» انجام گرفته است. نتایج محاسبات بیانگر آن است که خط فقر برای یک خانوار ۵/۱ نفری در استان گلستان برابر با ۱۵۹۷۶۲۴ ریال است (خوش‌فر و جعفری صمیمی، ۱۳۸۲: ۲۹۳).

با توجه به خط فقر محاسبه شده گستردگی فقر در شهرستان‌های استان براساس رتبه‌بندی به‌ترتیب شامل: ۱. آزادشهر، ۲. رامیان، ۳. کلالة، ۴. گنبد کاووس، ۵. بندرگز، ۶. مینودشت، ۷. علی‌آباد، ۸. آق‌قلا، ۹. گرگان، ۱۰. ترکمن و ۱۱. کردکوی می‌باشد (همان: ۲۹۳-۲۹۵).

متغیر وابسته این مقاله متغیر فقر می‌باشد. متغیر فقر به‌طور عام مفهومی نسبی دارد به این معنا که حتی در کشورهای توسعه‌یافته و ثروتمند کسانی که در طبقات پایین جامعه قرار دارند، خود را نسبت به طبقات بالا فقیر احساس می‌کنند. به بیان دیگر، درآمد افراد نسبت به یکدیگر سنجیده می‌شود و افرادی که درآمد کمتری دارند نسبت به افراد با درآمد بالاتر فقیر محسوب می‌شوند.

برای تعیین میزان فقر در بین نمونه تحقیق ابتدا درآمد کل خانوار برای سال ۱۳۸۲ محاسبه شده است، سپس هزینه کل خانوار برای سال ۱۳۸۲ محاسبه شده است، سپس هزینه خالص خانوار به روش زیر به‌دست آید. هزینه‌های ناشی از مسکن (تعمیر و نگهداری)، هزینه خرید وسایل نقلیه شخصی و هزینه زیارت و سیاحت تشکیل هزینه‌هایی را می‌دهند که تکرار نمی‌شوند، با کسر هزینه‌هایی که تکرار نمی‌شوند از هزینه کل خانوار هزینه خالص خانوار به‌دست می‌آید. آنگاه درآمد کل با هزینه خالص خانوار جمع بسته شده و نتیجه آن تقسیم بر دو شده است عدد به‌دست آمده تقسیم بر عدد ۱۲ شده تا میانگین ماهیانه به‌دست آید.

سپس با رقم ۸۱ هزار تومان (خط فقر اعلام شده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای

خانوارهای ۵ نفره روستایی در سال ۱۳۸۱) از ارقام به دست آمده کسر شده و در نهایت دامنه تغییرات نمرات به دست آمده محاسبه و پاسخگویان به سه دسته پایین، متوسط و بالا طبقه بندی شدند که دهکده های اول تا چهارم در دسته میزان فقر بالا و دهکده های پنجم تا هفتم در دسته میزان فقر متوسط و دهکده های هشتم تا دهم در دسته میزان فقر پایین جای گرفتند. علاوه بر این جهت تعیین خانوارهای مورد مطالعه براساس وضعیت قرار گرفتن آنها در پایین و یا بالای خط فقر، ابتدا درآمد ماهیانه خانوار به دست آمده و سپس نتایج حاصل براساس معیار خط فقر اعلام شده توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی به دو دسته زیر خط فقر و بالای خط فقر دسته بندی شدند.

نشانگرها در قالب متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده اند و به دو دسته متغیرهای مستقل عینی^۱ شامل وضعیت مسکن^۲، اشتغال^۳، وسیله نقلیه^۴، زمین زیر کشت^۵ و استفاده از رسانه ها^۶ و متغیرهای گرایشی^۷ شامل وابستگی به دولت^۸، تقدیرگرایی^۹، همدلی^{۱۰} و سطح آرزوها^{۱۱} می شوند. به لحاظ چگونگی سنجش متغیرهای تحقیق متغیر وسیله نقلیه و مسکن با توجه به ارزش ریالی برآورد شده اند. متغیر استفاده از رسانه ها براساس زمان صرف شده برای بهره گیری از رسانه ها مورد سنجش قرار گرفته است. متغیر سطح زیر کشت بر مبنای مساحت زمین زیر کشت هر خانوار و متغیر اشتغال به عنوان یک متغیر تصنعی در قالب شاغل و بیکار اندازه گیری شده است. متغیرهای گرایشی در قالب طیف لیکرت با استفاده از مجموعه ای از گویه ها برای هر متغیر مورد سنجش قرار گرفته اند.

روش و تکنیک تحقیق

در این بررسی از روش های اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. از روش اسنادی برای بررسی ابعاد مفهومی فقر در نوشته های مربوط به موضوع بهره گرفته شده و از روش پیمایشی توصیفی و ربطی برای بررسی چگونگی توزیع و روابط متغیرهای تحقیق استفاده گردیده است. واحد مشاهده در این مطالعه فرد و واحد تحلیل در سطح خانوار قرار دارد. تکنیک جمع آوری

1. Objective
3. Occupation
5. Cultivated Area
7. Attitudinal
9. Fatalism
11. Level Aspiration

2. Housing
4. Automobile
6. Media
8. Dependency
10. Empathy

داده‌ها پرسشنامه حضوری بوده است که پس از پیش‌آزمون و بررسی اعتبار و روایی آن در جامعه آماری حوزه تحقیق به کار گرفته شده است. پس از تکمیل پرسشنامه‌های تحقیق داده‌ها به نرم‌افزار spss انتقال داده شده و پس از پردازش با استفاده از آزمون‌ها و فتون آماری تعبیه شده در این نرم‌افزار مورد تحلیل آماری قرار گرفته‌اند.

جامعه آماری و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش در مرحله نخست شامل تمامی ساکنان روستاهای تابع شهرستان آزادشهر واقع در استان گلستان می‌باشد. این جامعه در بردارنده دو جامعه روستاها و ساکنان روستاها می‌شود. ابتدا براساس آخرین اطلاعات آماری حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۷۵ بر مبنای نسبت‌هایی چون نسبت مردان باسواد به کل جمعیت روستا نسبت زنان باسواد به کل جمعیت روستا، نسبت شاغلان مرد، نسبت شاغلان زن و امکانات توسعه‌ای روستاها نمره وضعیت توسعه‌ای روستاها محاسبه شده سپس بر مبنای این نمره ۵۸ روستای جامعه آماری به ۳ دسته طبقه‌بندی شدند که روستاهای با توسعه بالا شامل ۴ روستا (که یک روستا در زمان انجام دادن تحقیق به شهر تبدیل شد و از جامعه آماری حذف گردید)، و روستاهای با توسعه متوسط شامل ۱۹ روستا و روستاهای با توسعه پایین شامل ۳۵ روستا شدند.

در مرحله دوم، روش نمونه‌گیری تصادفی از روستاهای درجه سه، پنج روستا شامل روستاهای (اکبرآباد، ارازقان، جلال‌آباد، کاشیدار، وطن) و از روستاهای درجه دو نیز پنج روستا شامل روستاهای (تیلان، سوسرا، فاضل‌آباد، قزلجه، مرزین) و نیز روستاهای درجه یک هر سه روستا شامل روستاهای (نظام‌آباد، ازدارتپه، فارسین) به‌عنوان جامعه نمونه آماری انتخاب شدند که در مجموع این روستاها دارای ۸۹۳۹ خانوار هستند از این مجموع به‌عنوان جامعه آماری با استفاده از فرمول کوکران به قرار زیر نمونه‌ای به حجم ۱۹۲ خانوار برآورد شده است که به‌صورت متناسب این حجم در روستاهای (گروه یک ۶۴ خانوار، گروه دو ۶۴ خانوار، گروه سه ۶۴ خانوار) می‌باشد. که با استفاده از فرمول زیر نمونه تحقیق به حجم ۱۹۲ خانوار برآورد شده است.

$$n = \frac{\frac{(t)^2 \cdot p \cdot q}{(d)^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{(t)^2 \cdot p \cdot q}{(d)^2} - 1 \right)}$$

میزان‌های استفاده شده در فرمول بالا به قرار زیر می‌باشد:

درجه اطمینان در سطح ۹۵ درصد برابر با: $t = 1/96$

درجه احتمال وجود صفت برابر با: $p = 0/5$

درجه احتمال عدم وجود صفت برابر با: $q = 0/5$

احتمال خطا برابر با: $d = 0/07$

یافته‌ها و تبیین روابط بین متغیرها

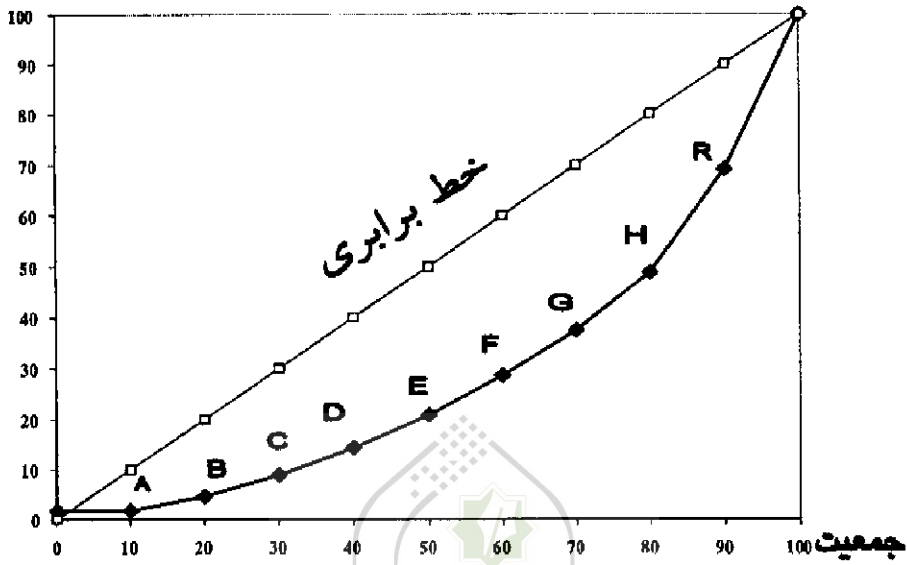
براساس داده‌های پژوهش در نمونه مورد مطالعه، ۸۰/۲ درصد شاغل و ۱۹/۸ درصد فاقد شغل می‌باشند. که این افراد بیکار جزو فقیرترین افراد خانوارهای جامعه مورد مطالعه می‌باشند. ۳۳/۹ درصد از افراد جامعه مورد مطالعه از راه کارگری برای دیگران (کارگر ساده) امرار معاش می‌کنند و هیچ منبع درآمد دیگری ندارند که اینان نیز جزو فقیرترین افراد جامعه مورد نظر می‌باشند. مسئله بیکاری فصلی در بخش کشاورزی باعث شده که کارگران بخش کشاورزی تقریباً نیمی از سال را بیکار باشند. از طرف دیگر وجود عرضه بالای نیروی انسانی در این بخش باعث کاهش سطح دستمزدها شده که این نیز موجب کاهش درآمد کارگران بخش کشاورزی شده است.

سهم دهک اول (فقیرترین گروه) از درآمد کل جامعه فقط ۱/۶ درصد می‌باشد که بسیار اندک است و سهم دهک دهم (غنی‌ترین گروه) ۳۱ درصد می‌باشد.

همچنین سهم ۲۰ درصد غنی‌ترین گروه‌ها (دهک نهم و دهم) از کل درآمد جامعه ۵۱/۲ درصد و سهم ۲۰ درصد فقیرترین گروه‌ها (دهک اول و دوم) از کل درآمد جامعه تنها ۴/۶ درصد می‌باشد که به‌طور متوسط یک فرد در ۲۰ درصد غنی‌ترین گروه‌ها، ۱۱/۱۳ برابر درآمد یک فرد در ۲۰ درصد فقیرترین گروه‌ها درآمد جامعه مورد مطالعه دارد. که خود بیانگر شکاف طبقاتی نسبتاً شدید در جامعه مورد مطالعه می‌باشد.

منحنی لورنز و ضریب جینی به‌دست آمده برای جامعه مورد مطالعه در این پژوهش نشان می‌دهد که توزیع درآمد در این جامعه نسبتاً نابرابر و ناعادلانه می‌باشد، که این نشان می‌دهد فرصت‌های شغلی و درآمدی و دسترسی به منابع اعتباری و مالکیت بر زمین کشاورزی در جامعه مورد مطالعه عادلانه نمی‌باشد و بین درجه توسعه یافتگی روستاها و میزان فقر رابطه وجود دارد، به این معنا که هرچه روستاها توسعه یافته‌تر باشند، میزان فقر در آنها کاهش می‌یابد و هرچه روستاها کمتر توسعه یافته باشند، میزان فقر در آنها بیشتر خواهد بود.

درآمد



نمودار شماره ۱. منحنی لورنز و ضریب جینی جامعه مورد مطالعه

نمودار بیانگر آن است که توزیع درآمد در جامعه مورد مطالعه نامناسب و ناعادلانه است، زیرا منحنی لورنز با خط برابری فاصله زیادی دارد می‌توان نتیجه گرفت که توزیع ناعادلانه درآمد باعث به وجود آمدن شکاف طبقاتی و گسترش فقر در جامعه مورد مطالعه شده است.

$$\text{ضریب جینی} = \frac{333/7}{550} = 0/6$$

ضریب جینی ۰/۶ به دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که توزیع درآمد در جامعه مورد مطالعه ناعادلانه است. زیرا هرچه ضریب جینی به عدد (۱) نزدیک‌تر باشد، نشانه ناعادلانه بودن توزیع درآمد می‌باشد و هرچه به (۰) نزدیک‌تر باشد نشانه توزیع عادلانه درآمد در جامعه است.

برای تبیین روابط بین متغیرها از تحلیل چند متغیره رگرسیونی استفاده شده است که در آن متغیر میزان فقر متغیر وابسته و متغیرهای X_1 تا X_9 که در جدول زیر آورده شده‌اند تشکیل متغیرهای مستقل را می‌دهند. نتایج حاصل شده در جدول شماره (۲) آورده شده است.

جدول شماره ۲. خروجی معادله رگرسیون

مقدار $F^2 = ۱۶/۸۳$ سطح معناداری = ۰/۰۰۰			ضریب همبستگی چندگانه $(R) = ۰/۶۹$ ضریب تعیین $(R^2) = ۰/۴۸$
نام متغیر	مقادیر بتا	مقدار t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	۴/۲۸۹	۵/۲۴	۰/۰۰
X_1 = وسیله نقلیه	-۰/۳۳۴	-۶/۱۵	۰/۰۰
X_2 = مسکن	-۰/۲۵۹	-۶/۶۳	۰/۰۰
X_3 = اشتغال	-۰/۱۵۳	-۲/۷۷	۰/۰۰
X_4 = سطح زیر کشت	-۰/۱۵۰	-۲/۱۵	۰/۰۳
X_5 = وابستگی به دولت	۰/۱۴۹	۲/۵۸	۰/۰۱
X_6 = تقدیرگرایی	۰/۱۱۷	۲/۱۰	۰/۰۳
X_7 = دسترسی به رسانه‌ها	-۰/۱۱۲	-۱/۹۸	۰/۰۴۹
X_8 = همدلی	-۰/۱۰۷	-۱/۸۸	۰/۰۲
X_9 = سطح آرزوها	-۰/۱۰۰	-۱/۷۸	۰/۰۴

از مجموع متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیون ۹ متغیر مستقل رابطه و تأثیر معناداری بر متغیر وابسته داشته‌اند.

متغیرهای مستقل باقیمانده در معادله رگرسیون عبارتند از: وسیله نقلیه، مسکن، اشتغال، سطح زیر کشت، وابسته به دولت، تقدیرگرایی، دسترسی به رسانه‌ها، متغیر همدلی و متغیر سطح آرزوها می‌باشد.

معادله تشکیل شده از این متغیرها با توجه به سنجه F و معناداری آن معادله معناداری می‌باشد این متغیرها با متغیر وابسته تحقیق دارای همبستگی چندگانه $(R) = ۰/۶۹$ هستند این متغیرها با توجه به ضریب تعیین $(R^2) = ۴۸$ درصد واریانس متغیر وابسته تبیین نمایند. در نتیجه با توجه به ضرایب استاندارد محاسبه شده در قالب معادله رگرسیون چند متغیره چگونگی تأثیر هر کدام از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به صورت زیر می‌باشد:

۱. اولین متغیر متغیر وسیله نقلیه با مقدار بتای $-۰/۳۴$ است. منفی بودن این مقدار نشانگر تأثیر کاهنده متغیر مستقل وسیله نقلیه بر متغیر وابسته فقر است و نشانگر آن است که افزایش یا کاهش در متغیر وسیله نقلیه، با کاهش یا افزایش در متغیر فقر همراه خواهد بود. این متغیر به تنهایی ۱۲ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌نماید.

۲. متغیر مسکن متغیر بعدی است که بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته فقر دارد. این ضریب

ضمن دلالت بر تأثیر منفی متغیر مسکن بر فقر، نشانگر آن است که هرچه بر متغیر مستقل مسکن افزوده شود در مقابل از میزان فقر کاسته می‌شود. این متغیر به تنهایی ۷ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌نماید.

۳. متغیر اشتغال متغیر بعدی است که با متغیر وابسته فقر رابطه داشته است. ضریب تأثیر این متغیر که برابر با ۰/۱۵۳- بوده بر این نکته دلالت دارد که هرگونه افزایش یا کاهش در متغیر مستقل اشتغال با کاهش یا افزایش در متغیر وابسته فقر همراه خواهد بود. سهم تأثیر این متغیر به تنهایی بر روی متغیر وابسته ۲ درصد است.

۴. ضریب بتای متغیر سطح زیر کشت با متغیر وابسته برابر ۰/۱۵- است و سهم مستقل این متغیر بر روی متغیر وابسته برابر با ۲ درصد است.

۵. متغیر وابستگی به دولت با ضریب ۰/۱۵ متغیر بعدی است که با متغیر وابسته فقر رابطه داشته است. این ضریب بر این نکته دلالت دارد که به ازای افزایش یا کاهش در متغیر مستقل وابستگی به دولت شاهد کاهش یا افزایش در متغیر وابسته فقر خواهیم بود. این متغیر نیز به صورت مستقل ۲ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌نماید.

۶. براساس ضریب متغیر تقدیرگرایی در رابطه با متغیر وابسته فقر که برابر ۰/۱۲ بوده، باید اذعان داشت که هرچه بر متغیر تقدیرگرایی افزوده شود در مقابل بر میزان فقر افزوده خواهد شد و بالعکس، کاهش در متغیر تقدیرگرایی با کاهش در متغیر فقر همراه خواهد بود. سهم این متغیر در واریانس متغیر وابسته ۱ درصد است.

۷. متغیر دسترسی به رسانه با ضریب ۰/۱۱- بوده است. مطابق با این ضریب هرگونه افزایش در متغیر مستقل با کاهش در متغیر وابسته ملازم خواهد بود. این متغیر ۱ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

۸. متغیر همدلی دارای ضریب ۰/۱۰۷-، است. براساس این ضریب، هرچه بر میزان همدلی افزوده شود، در مقابل به همان نسبت از میزان فقر کاسته خواهد شد و بالعکس، کاهش در همدلی، با افزایش در فقر همراه خواهد بود. این متغیر به تنهایی یک درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

۹. نهایت این‌که، متغیر سطح آرزو که آخرین متغیری بوده که رابطه معنی‌داری با متغیر وابسته دارد. مقدار ضریب این متغیر که برابر با ۰/۱- بوده، به این معناست که هرچه بر سطح آرزو افزوده شود، به همان نسبت از میزان فقر کاسته می‌شود و برعکس، هرگونه کاهش در سطح آرزو، با افزایش در میزان فقر همراه خواهد بود. سهم این متغیر در واریانس متغیر وابسته ۱ درصد است.

نتیجه‌گیری

داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۵۷/۸ درصد افراد میدان مطالعه از نظر میزان فقر (پایین، متوسط، بالا) دچار فقر بالایی هستند. توزیع خانوارهای مورد مطالعه براساس خط فقر اعلام شده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در سال ۱۳۸۱ برای هر خانوار ۵ نفره روستایی ۸۱ هزار تومان) بیانگر آن است که ۲۷/۶ درصد، خانوارهای مذکور در زیر خط فقر واقع شده‌اند. و ۷۲/۴ درصد در طبقه بالای خط فقر اعلام شده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی قرار دارند. براساس تحلیل رگرسیون چند متغیره که مبتنی بر اصل پیش‌بینی بوده و نیز مدل عوامل مؤثر بر فقر، این پژوهش نشان می‌دهد که از بین متغیرهای مستقلی که در این پژوهش در نظر گرفته شده‌اند، ۹ متغیر مستقل (وسیله نقلیه، مسکن، اشتغال، سطح زیرکشت، وابستگی به دولت، تقدیرگرایی، دسترسی به رسانه‌ها، همدلی و سطح آرزو) تأثیر رگرسیونی معنی‌دار و اثر مستقیم معنی‌داری بر متغیر وابسته (فقر) داشته‌اند که می‌توانند به عنوان نشانگرهای فقر روستایی مورد توجه قرار گیرند.

براساس یافته‌های تحقیق مجموعه متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده که در مدل آمده‌اند، توانسته‌اند ۰/۴۸ (۴۸ درصد) از تغییرات متغیر وابسته تحقیق (فقر) را تبیین کنند و مابقی تغییرات وابسته نیز متأثر از مجموعه عواملی می‌باشد که در ترکیب خطی معادله رگرسیون نیامده‌اند.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۹). «فقر، آسیب‌پذیری و توسعه، مطالعه موردی روستایی گرمسار». تهران: مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه.
- بورژن، ژرژ و پیردمبر (۱۳۵۱). *سوسیالیسم*. ترجمه منصور مصلحی، تهران: انتشارات شرکت‌های سهامی کتاب‌های جیبی.
- رواسانی، شاپور (۱۳۷۷). «فقر عمومی در جامعه ما نتیجه شیوه تولید مستعمراتی است». *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۲۰.
- چمبرز، رابرت (۱۳۷۶). *توسعه روستایی اولویت بخشی به فقر*. ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: دانشگاه تهران.
- حافظ‌نیا، محمد (۱۳۷۱). «بررسی عوامل فقر پیرامون وضعیت خانوارهای عادی تحت پوشش کمیته امداد تهران».
- خوش‌فر، غلامرضا؛ احمد جعفری صیمی و محمد دودانگی (۱۳۸۲). «بررسی گستردگی، شدت و نابرابری فقر در استان گلستان». سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد و ابراهیم زاهدی عبقری (۱۳۷۵). «روستایان فقیر و آسیب‌پذیر، خطوط اساسی برای شناسایی قشرهای آسیب‌پذیر روستایی». *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*.

زاهدی، مازندرانی محمدجواد (۱۳۷۶). «پایان دادن به میراث گرسنگی». فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و توسعه کشاورزی.
سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۵). «گزارش طرح فقرزدایی در کشور». تهران: سازمان برنامه و بودجه جمهوری اسلامی ایران.
سازمان بهزیستی کشور (۱۳۶۹). «مجموعه مقالات اولین سمینار فقر و فقرزدایی».
سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۲). هفتمین برنامه، شماره ۴۴ و ۴۵.
سن، آمارتیا (۱۳۸۲). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه حسین راغفر، تهران: کویر.
طیبیان، محمد و داوود سوری (۱۳۷۷). «بررسی مقایسه‌ای فقر و ارتباط آن با متغیرهای کلان اقتصادی کشور». تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
عظیمی، حسین (۱۳۷۱). مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.

- Duhan, A. (1993). Social exclusion an alternative concept for the study of deprivation. *International Bulletin of development studies*.
- Fitzpatrick, Tony (2001). *Welfare Theory an Introduction*. New York: Palgrave.
- Schuessler, K.F. and G.A. Fisher (1985). Quality of Life research and Sociology. *Annual Review Sociology*, 11, 129-149.
- Smith, A. (1970). *The Wealth of Nations*. Harmonds worth: Penguin.
- Thorns, D. (2002). *The Transformation of cities urban theory and urban life*. London: Palgrave.
- Townsend, P. (1975). *Sociology and Social Policy*. London: Lons.
- Townsend, P. (1979). *Poverty in the united Kingdom*. London: Penguin.

غلامرضا غفاری عضو هیئت علمی گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. علایق پژوهشی وی معطوف به جامعه‌شناسی توسعه و تغییرات اجتماعی است.
عباس حق‌پرست کارشناسی ارشد توسعه روستایی است.